فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی۳، زمستان ۹۷، صفحات ۲۱۴-۱۹۵

تأثیر عدالت در توسعه‌ی اجتماعی _ فرهنگی با تأکید بر فقه و حقوق موضوعه

علی‌اکبر غفاری[۱]،علیرضا عسگری[۲]، سید حسن عابدیان[۳]

تاریخ دریافت:۱۳۹۷/۰۸/۲٤ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۰۷

چکیده

امروزه عدالت و جای‌گاه آن، به عنوان مؤلفه‌ای مهم در تحقق توسعه‌ی اجتماعی، مورد توجه نظریه‌پردازان توسعه‌اندیش قرار گرفته است. حقوق موضوعه در ایران پس از انقلاب به مثابه‌ی پشتوانه‌ای است که از خلال آن بتوان تحقق "عدالت" را در امور مختلف جامعه مورد صیانت قرار داد؛ لذا در این پژوهش به بررسی جای‌گاه عدالت در توسعه‌ی اجتماعی با تأکید بر حقوق موضوعه پرداخته‌ایم. سؤال اصلی در این است که جای‌گاه عدالت به معنای إعطاء کل ذی حقٍّ حقَّهُ(دادن حق به هر صاحب حقی) در توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی کجاست؟ مقاله با کاربست روش توصیفی-تحلیلی در صدد است با تکیه بر حقوق موضوعه جای‌گاه عدالت در توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی جوامع انسانی، خاصه جامعه ایران را مورد تأمل قرار دهد. ملاحظه گردید که نه‌تنها عدالت بر توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی تأثیر می‌گذارد بلکه چنین توسعه‌ای تنها در بستر عدالت میسر است. از سوی دیگر، با توجه به این که مهم‌ترین موضوع مطرح‌شده در انقلاب اسلامی اجرای عدالت است، ارائه‌ی تحلیلی علمی و نقادانه در این زمینه، مؤثرترین گام در تحقق عدالت و تأثیر آن بر توسعه‌ی پیش گفته است.

واژه‌های کلیدی: عدالت، توسعه، توسعه‌ی اجتماعی، حقوق موضوعه

[۱] دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران Aaghaffari36@gmail.com

[۲] استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران(نویسنده‌ی مسئول) Alireza.asgari88@gmail.com

[۳] استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران Mirhasan4@gqom-iau.ac.ir

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مقدمه

توسعه یکی از مسایلی است که با پایان جنگ جهانی دوم در محافل آکادمیک به عنوان یک «مسأله»ی پژوهشی مورد توجه جدّی قرار گرفت و بخشی از ظرفیت‌های جوامع، از جمله ایران را به خود اختصاص داد و مسایل مختلفی را با خود به دنبال داشت؛ اما آن چه به عنوان فرآیند توسعه در ایران معاصر از عصر پهلوی دوم به بعد اجرا شد فارغ از دست‌یابی به اهداف یا ناکامی، بر بسیاری از مسایل اجتماعی ایران تأثیرگذار بود؛ البته تحقق انقلاب اسلامی را در ایران به عنوان بزرگ‌ترین تحول قرن بیستم می‌توان با آن در ارتباط دید. امروزه توسعه به عنوان فرآیندی چندبعدی که همه‌ی ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را پوشش می‌دهد، مهم‌ترین مسأله‌ی ایران شناخته می‌شود که در هر بعد دارای شاخصه‌ها، اصول و مؤلفه‌های مختلفی چون مساوات، عدالت، توزیع، مشارکت و... است.

بیان مسأله

تحقق توسعه به‌خصوص توسعه‌ی اقتصادی، با روش‌های گوناگونی امکان‌پذیر است. غلبه‌یافتن رویکرد اقتصادی نسبت به توسعه ممکن است سایر ابعاد توسعه‌ای را نظیر اجتماع و فرهنگ جوامع نادیده گرفته و منجر به از هم‌گسیختگی اجتماعی شود و از خلال آن، توازن رعایت نشود و صرفاً منجر به پیشرفت اقتصادی گردد؛ اما ممکن است در این میان قشرهای اجتماعی بنا به دلایلی، آسیب جدی ببینند و از دست‌آوردهای توسعه‌ی اقتصادی برخوردار نشوند. باید توجه داشت که برقراری عدالت اجتماعی از جمله اهداف اساسی یک نظام مبتنی بر دین اسلام است و برای چنین نظامی، پیشرفت در بستر عدالت معنادار می‌گردد. در این نگرش، نه‌تنها ثمره‌ی توسعه، عدالت است بلکه مسیر تحقق توسعه نیز بر مبنای عدالت تحقق می‌یابد. رشد و پیشرفت اقتصادی، باید بر پایه‌ی عدالت باشد تا حقوق مردم ادا شده و زمینه‌ی پیشرفت و تعالی را فراهم کند.

این پژوهش بر آن است که به جای‌گاه عدالت در توسعه‌ی اجتماعی بر پایه‌ی حقوق موضوعه بپردازد؛ لذا برای رسیدن به چنین هدفی ابتدا به تأمل در برخی مفاهیم اساسی در این زمینه نظیر: عدالت، توسعه، توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی و حقوق موضوعه خواهیم پرداخت؛ سپس به رابطه‌ی عدالت و پیشرفت می‌پردازیم و در پایان با تأکید بر ظرفیت‌های حقوق موضوعه به جایگاه عدالت در توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی خواهیم پرداخت.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

پیشینه پژوهش

تحقیقاتی که درباره عدالت و جایگاه آن در مباحث توسعه‌ی اجتماعی _ فرهنگی انجام شده زیاد ولی پراکنده‌اند و هر یک بُعدی یا رویکردی از مسئله را مورد واکاوی خود قرار داده‌اند اما برای واکاوی جایگاه عدالت در پدیده‌ای چون توسعه با تأکید بر فقه و حقوق موضوعه تحقیق مستقلی صورت نگرفته است؛ با این وصف، پژوهش‌هایی درباره جایگاه عدالت در توسعه به طور کلی وجود دارد. در اینجا می‌توان به مواردی اشاره نمود؛ منصورنژاد (۱۳۷۹) در پژوهشی با عنوان دین و توسعه به این سئوال پاسخ داده است که اگر از اهداف ارسال رسل و انزال کتب، اعادهٔ قسط و عدالت است، آیا اهداف، مبانی و مظاهر توسعه با عدالت سازگار می‌افتد؟ همچنین در کتابی با عنوان «درآمدی بر نظام سیاسی عدالت در اسلام» توسط گروهی از نویسندگان تألیف گردیده است و مرکب از دو فصل کلی با عنوان چارچوب نظام سیاسی عدالت و شبکه مفاهیم نظام سیاسی عدالت است و ده مقاله را شامل می‌شود که در برخی از این مقالات به جایگاه عدالت در تحقق اموری خاص نظیر توسعه پرداخته شده است. (رک به: علیخانی و همگاران،۱۳۸۸) فرشاد شریعت (۱۳۸۸) در پژوهشی دیگر، با عنوان «عدالت و سیاست» به بررسی ابعاد نظری و کاربردی عدالت در گفتمان سیاسی اسلام و غرب پرداخته است که بخش اول این پژوهش ناظر به مباحث فقهی و حقوقی مسئله است.

بررسی آثار مذکور بیانگر این است که هر چند در آنها به جایگاه عدالت در امری چون توسعه به صورت پراکنده بررسی شده، اما هیچ یک به تبیین رابطهٔ عدالت با تحقق توسعه اجتماعی–فرهنگی با تمرکز بر ظرفیت‌های جهت‌بخشِ فقه و قوانین موضوعه نپرداخته‌اند. از این رو، نوآوری پژوهش حاضر از دو جنبه است: اول، به لحاظ بررسی مفهومی جایگاه عدالت در تحقق توسعه اجتماعی فرهنگی برای نیل به یک چارچوب قابل اتکا دنبال شده است و دوم تمرکز بحث بر ظرفیت‌های نظام حقوقی جامعه‌ای نظیر ایران اسلامی است که بر مدار فقه و حقوق موضوعهٔ خاصی بنا شده است و می‌تواند الگویی بی‌بدیل از توسعهٔ اجتماعی–فرهنگیِ عدالت‌محور در سایهٔ توحید الهی ارائه نماید.

چارچوب مفهومی پژوهش

در این بخش به ترسیم چارچوب مفهومی مورد نیاز برای تأمل بر جای‌گاه عدالت در توسعه‌ی اجتماعی–فرهنگی خواهیم پرداخت؛

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

عدالت

واژه‌ی عدل برابرنهادِ واژه‌ی مساوات است (راغب اصفهانی،۱٤۱۹:۳۲). از همین ماده، اعتدال، معادله، عدالت و عادل ساخته می‌شود. عدالت ضد جور است(الشرتونی، بی‌تا:۷۵). جور به معنای ظلم و ستم و منصرف‌شدن از قصد و منظور و یا منصرف‌شدن از راه است(الشرتونی، بی‌تا:۱٤۹). دهخدا عدل را به مثابه‌ی "داد" معنا کرده است(دهخدا، ۱۳۳۷:ذیل ماده‌ی عدل).

در تعریف عدالت دو نگرش اساسی وجود دارد: الف) عدالت در نگرش قدما: این نگرش عدالت را امری طبیعی می‌دانست و نوعی سلسله‌مراتب طبیعی در استحقاق را باور داشت. عدالت در این نگرش عبارت بود از: هر چیزی را در جای خود گذاشتن. به همان سان که اعتدال به طبیعت یعنی قراردادن هر چیزی در جای خود است، در صورتی که امور در جای خود نباشند و طبیعت لوازم خود را نداشته باشد، اعتدالی وجود ندارد. مثلاً طبیعت زمستان سردی است و طبیعت تابستان گرما؛ اگر چنین نباشد و زمستان، گرما و تابستان، سرما تولید کند روشن است که اعتدالی وجود ندارد . این امر در همه‌ی امور ، از جمله درباره‌ی انسان و ساخت و ساحت وجودی او و رفتارش صادق است. انسانی رفتار عادلانه دارد که به اقتضای طبع اولیه‌اش کارکرد داشته باشد.

ارسطو در آثار خویش به دو نوع عدالت اشاره می‌کند: عدالت توزیعی که گویای چگونگی توزیع منابع و مواهب میان اعضای جامعه و عدالت تعویضی که ناظر بر چگونگی داد و ستد میان دو طرف معامله است. از دیدگاه ارسطو عدالت توزیعی در صورتی تحقق می‌یابد که سهم هریک از اعضای جامعه بر حسب منزلت و شایستگی‌های او معین شود و عدالت تعویضی نیز به برابربودن آن چه داده می‌شود با آنچه گرفته می‌شود مشروط است.

ب) عدالت در نگرش جدید: عدالت امری تأسیسی و وضعی و فراتر از طبیعت قلمداد می‌شود و در واقع ویژگی اجتماع است و به همین دلیل، مفهوم عدالت اجتماعی شکل می‌گیرد. در این نگرش عدالت ویژگی نهادهای اجتماعی است نه صفت فرد. سیر تحول این مفهوم از عدالت با نظریه‌ی قرارداد اجتماعی آغاز شد. در اندیشه‌ی قراردادگرایان توافق درباره‌ی چگونگی پیگیری منافع و عمل‌کردن به آن، نشانه‌ی تحقق عدالت است. هیوم[1] عدالت را در پیروی از رسوم جامعه

[1] David Hume

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

دید و بدین سان آن را امری اجتماعی نمود. کانت[1] نیز عدالت و انصاف را با هم مرتبط ساخت. در دوران حاضر نیز جان راولز[2] که بار دیگر بحث‌های مربوط به عدالت را احیا کرد. وی عدالت را امری توافقی دانست و دارای دو اصل اساسی: اصل اول، حق مساوی همگان به آزادی و به همین دلیل، باید همگان در تعریف اصول عمل عادلانه نقش داشته باشند؛ اصل دوم، درباره‌ی نابرابری است؛ یعنی نابرابری‌ها معقول شوند، زیرا نمی‌توان نابرابری‌ها را از بین برد و قابل رفع نیستند؛ بلکه نابرابری‌هایی را که به نفع همگان است باید پذیرفت. (راولز،۱۳۷٦) نابرابری‌های عادلانه آن است که رفع یا کاهش آن موجب بدترشدن وضع گروه‌های نازل جامعه می‌شود؛ بنابراین نابرابری‌هایی گریزناپذیر مثل: نابرابری در پاداش‌ها و درآمدها که انگیزه‌ی کار و فعالیت هستند، پاس داشته می‌شوند. به سخن دیگر تنها نابرابری‌هایی که همگان در هرحال از آن سود می‌برند حفظ می‌شوند. بحث عدالت در اندیشه‌ی مدرن دارای تفاوت‌هایی اساسی و غیرقابل جمع با اندیشه‌ی قدیم و سنّتی است(میرموسوی و حقیقت،۱۳۸۵:۲٦۱).

عدالت در اندیشه‌ی مسلمانان نیز جای‌گاه مهمی دارد: متکلمان و فلاسفه‌ی مسلمان در بحث عدل الهی بیش‌تر به همان رعایت استحقاق‌ها و "وضع الشیء فی موضعه" نظر داشتند. در دوران حاضر، مفسرانی مانند سید قطب، با استفاده از ظرفیت‌های موجود در منابع دینی، عدالت اجتماعی را یکی از بنیادهای دین اسلام شمرده‌اند و برخی نیز از مهجورماندن اصل عدالت در فقه شکوی نمودند(مطهری،۱۳۸٤:۳۳).

تفسیر عدالت در منابع دینی به طور کامل بستگی به پیش‌فرض‌های برون دینی و مبانی کلامی دارد. می‌توان همانند سنت فکری قدیم، از آن در جهت توجیه نابرابری‌ها بهره برد و می‌توان آن را به عنوان یک اصل پیش‌رو در راه نقد و وضع موجود و از بین بردن نابرابری‌هایی که مصلحت همگان را تأمین نمی‌کند، تفسیر کرد. به هرحال مفهوم عدالت از مفاهیم بنیادی دین اسلام می‌باشد و لازم است با نگرش همه‌جانبه به منابع و متون دینی بهترین برداشت و تفسیر ممکن از آن انتخاب گردد. شهید صدر در این باره می‌گوید: «اسلام که عدالت اجتماعی را از مبادی اساسی برای شکل‌گیری خط مشی اقتصادی‌اش می‌داند آن را با مفهوم تجربه مبنا قرار نداده و نیز به صورت باز بدان دعوت نکرده است تا قابل هرگونه تغییری باشد. هم‌چنین آن را به جوامع انسانی

[1] Immanuel Kant
[2] John Rawls

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

که دیدگاه‌های متفاوتی درباره‌ی عدالت دارند و بر اساس اندیشه و تلقی خود از زندگی و حیات آن را معنی می‌کنند نیز واگذار نکرده است.

اسلام عدالت را در ضمن یک سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی معین اراده کرده که توانسته است پس از آن این عقیده را در واقعیتی زنده مجسم سازد. واقعیتی که تمام تار و پودش با مفهوم اسلامی عدالت عجین است. از این رو کافی نیست که تنها به فراخوانی اسلام از عدالت اجتماعی بسنده شود؛ بلکه باید بینش تفصیلی و ویژه‌ی اسلام را از عدالت نیز شناخت(صدر،۱٤۱۷:۳۰۳). ولی به طور قطع نمی‌توان آن را به معنای برابری کامل همگان تفسیر کرد. بینش اسلامی از سویی برابری همگان را در بهره‌مندی از حقوق اساسی انسان ملحوظ می‌کند و از سوی دیگر برخی از نابرابری‌ها را که سود همگان در وجود آن‌ها است به رسمیت می‌شناسد. این امر در مورد برخی تفاوت‌های موجود بین حقوق زن و مرد قابل انطباق می‌باشد(صدر،۱٤۱۷:۲٦٤-۲٦۳).

توسعه

واژه‌ی توسعه ترجمه‌ی "development" است. در زبان انگلیسی "develop" بیش‌تر به معنای ظهور بوده و مفهوم خوبی و بدی در آن نهفته نیست؛ مثلاً ظاهرکردن فیلم عکاسی را "develop" گویند؛ این که تصویر خوب یا بد باشد در این جا مطرح نیست(عظیمی، ۱۳۷۱:۱۲۵). در فرهنگ انگلیسی اکسفورد واژه‌ی "development" به معنای بازشدن تدریجی، بارزشدن (در آمدن) کامل‌تر اجزای هر چیز، رشد آن چه در نطفه مکنون می‌باشد آمده است(باتومور،۱۳۷۰:۳۲٦-۳۲۵).

توسعه اصطلاح جدیدی است که درباره‌ی تحولات و دگرگونی‌های جوامع در جهت پیشرفت یا تجدید سازمان(مدرنیزاسیون) جوامع معروف به توسعه‌نیافته به کار می‌رود. مایکل تودارو[1] از نظریه‌پردازان این حوزه در تعریف توسعه می‌نویسد: «توسعه جریانی است چندبعدی که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی، باورهای عامه‌ی مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی و کاهش نابرابری و ریشه‌کن‌کردن فقر مطلق است. توسعه به معنای ارتقاء مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر یا انسانی‌تر است»(تودارو، ۱۳۷۷:۲۳).

در برخی تعاریف، توسعه فرآیندی است که طی آن، دگرگونی‌های ساختاری ایجاد می‌شوند و عرصه‌های مختلف را نیز در بر می‌گیرند که از جمله می‌توان به عرصه‌ی فرهنگ اشاره

[1] Michael Paul Todaro

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

نمود(مؤمنی،۱۳۷٤:۱٤۱). برخی توسعه را در لغت به معنای خروج از لفاف می‌دانند و معتقدند منظور از لفاف همان جامعه‌ی سنتی و فرهنگ‌ها و ارزش‌های مربوط به آن است و جوامع برای متجددشدن باید از آن مرحله عبور کنند(ازکیا،۱۳۸۱:۷). بر اساس تعاریف ارائه‌شده می‌توان گفت: توسعه عبارت است از تغییر در ساختارهای جامعه در جهت افزایش ظرفیت نظام اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن و یا این‌که توسعه فرآیندی است که در راستای بهبود مداوم در همه‌ی عرصه‌های زندگی انسانی اعم از مادی و معنوی و بهبود بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باشد.

توسعه‌ی اجتماعی

رشد اقتصادی و فقدان نظام توزیع مجدد سبب شد که تمام اهدافِ توسعه‌ای بر مدار تولید "ثروت" قرار نگیـرد و اذهان توسـعه‌اندیشان به فکر سازوکـارهای تـوزیع مجدد این ثروت حاصل‌شده سوق یابد؛ این دغدغه سبب شد که توزیع مجدد همراه با رشد در دهه‌ی ۱۹۷۰ م رویکرد غالب توسعه شود؛ اما با ظهور نولیبرالیسم[1]، این تغییر رویکرد توسعه‌ای نیز تضعیف شد و در حال حاضر بار دیگر مورد بازاندیشی قرار گرفته است. به مناسبت اجلاس جهانی توسعه‌ی اجتماعی در کپنهاگ دانمارک در سال ۱۹۹۵ م، بیانیه‌های مفیدی در مورد رابطه‌ی رشد–برابری منتشر شد. همانند «سازگاری رشد اقتصادی و توسعه‌ی اجتماعی»؛ یعنی پیشرفت اجتماعی گسترده بدون سیاست‌گذاری مالی و اقتصاد اجتماع‌محور ممکن نیست؛ لذا توجهات به «برابری همراه با رشد بازاندیشانه زیر پرچم توسعه‌ی اجتماعی» سوق داده شد(پیترز، ۱۳۹٤: ۲۲۱). حال این توسعه‌ی اجتماعی به چه معنایی لحاظ شده است؟ یک معنای محدود برای توسعه‌ی اجتماعی، سیاست‌های رفاه عمومی در زمینه‌ی بهداشت، آموزش و مسکن است؛ نیازهایی که عموم افراد یک جامعه بدان‌ها محتاج‌اند. این تعریف، به گفته‌ی میجلی[2](۱۹۹۵) از مشکل تفکیک و جدایی سیاست‌های اجتماعی از سیاست‌های توسعه رنج می‌برد و توسعه‌ی اجتماعی به طور معمول به سبد کاهش فقر تقلیل می‌یابد(UNRISD: ۱۹۹۵) در تعریف دیگر، می‌توان توسعه‌ی اجتماعی را در مقابل توسعه‌ی اقتصادی به کار برد و برخی نیز آن را نه به معنای محدودِ جدا از اقتصاد و نه در مقابل آن بلکه در میانه‌ی ابعاد اجتماعی دیگر نظیر اقتصاد و فرهنگ قرار داده‌اند(کارل پولانی،

[1] Neoliberalism
[2] Meijli Taisho

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۱۹۵۷؛میچل،۲۰۰۲؛ چانگ،۲۰۰٤). در این تعریف، توسعه‌ی اجتماعی به مثابه‌ی شکوفاییِ اجتماعی در مسیر توسعه‌ی اقتصادی نگریسته شده است(پیترز،۱۳۹٤:۲۲٤) پیش‌نیاز چنین شکوفایی اجتماعی در مسیر توسعه‌ی اقتصادی مؤلفه‌ی عدالت است.

روش پژوهش

با توجه به ماهیت و هدف این مطالعه، این تحقیق در عرصه‌ی "گردآوری" داده‌های خود ماهیتاً پژوهشی اسنادی و کتابخانه‌ای است. منابع، مآخذ و مدارک مکتوب برای این پژوهش که هم‌سویه‌ی اسلامی داشته و هم ناظر به مسأله‌ی توسعه و عدالت باشد یا اولیه بودند که اثر مرجع محسوب شده غالباً شامل قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام بوده و یا ثانویه که محققان دیگر به تحقیق، تحلیل و بسط آن اندیشه‌های موجود در منابع اصلی پرداخته‌اند؛ نظیر تفاسیر موجود بر قرآن کریم یا علوم اسلامی دیگر؛ پس از گردآوری، در مرحله‌ی "تحلیل" داده‌ها از روش توصیفی-تحلیلی بهره خواهد برد. با توجه به ابعاد و تفاسیر مختلف از عدالت در دوره‌های مختلف و به منظور رهایی از پراکندگی در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش و یافتن جای‌گاه آن در توسعه‌ی اجتماعی به حقوق موضوعه تأکید خواهیم کرد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در دو بخش ارائه می‌شود: ابتدا رابطه‌ی پیشرفت و عدالت مورد بحث قرار می‌گیرد و پس از آن به مبانی عدالت مطلوب در توسعه‌ی اجتماعی، الگوی حکومت‌محور آن و نیز مواجهه‌ی حقوق موضوعه ایران پس از انقلاب به جای‌گاه عدالت در توسعه‌ی اجتماعی خواهیم پرداخت.

رابطه‌ی پیشرفت و عدالت

چنان که گذشت پیشرفت گسترش‌یافتن امکانات زندگی و وسعت‌بخشیدن به امکانات و بهره‌ی بیش‌ترگرفتن از امکانات است. پیشرفت و توسعه خواه ناخواه و با توجه به تلاش‌ها و تجربه‌های بشری به سرعت یا به کندی اتفاق می‌افتد و گویی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؛ از سوی دیگر ریشه‌ی وسایل شگفت‌انگیز تولید، توسعه‌زا و گریزناپذیر است، توسعه هم حاصل فرآیند تجربه و حیات جمیع بشر است و هم مطابق طبع و عقل انسانی و هم نیاز جامعه‌ی امروزی است؛ اما با توجه به واقعیت‌های موجود ناظر به حیات انسانی و جامعهٔ او باید مدیریت

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

شود و به پرهیز از فساد و ستم و بهره‌مندشدن همه‌ی انسان‌ها از ظرفیت‌ها و امکانات به‌دست‌آمده منجر می‌شود.

نسبت پیشرفت با عدالت مسأله‌ای است که تعمق در آن ضروری است. عدالت جزئی از پیشرفت است، از این رو عدالت در کنار پیشرفت بیان شده است. بر اساس ادبیات دینی، برقراری عدالت از جمله اهداف پیامبران بیان شده است و بر مبنای تعریف پیشرفت در اسلام، تحقق عدالت، جزئی از پیشرفت است. توسعه‌ی مادی و کمی به تنهایی مطلوب یک جامعه‌ی انسانی نبوده؛ بهبود متوازن و عادلانه‌ی آن در جامعه ضروری است. از آن‌جا که بحث عدالت همواره یک بحث هنجاری و ارزشی تلقی می‌شود، در الگوی پیشرفت که ارزش‌مدار و اخلاق‌گراست نسبت میان پیشرفت و عدالت تعارض نخواهد بود؛ زیرا بر خلاف فضای اقتصاد متعارف، هدف نهایی این دو متفاوت نیست. در الگوی پیشرفت، برآورده‌شدن عدالت آسان‌تر از الگوهای توسعه‌ی غربی خواهد بود؛ چراکه حاکمیت اخلاق در الگوی پیشرفت ضروری است. بررسی منابع دینی نشان می‌دهد عدالت از جمله فضیلت‌های مهم اجتماعی است و برپایی عدالت و مبارزه‌ی با ظلم به عنوان یکی از رسالت‌های اختیاری الهی بر شمـرده شده است. بنابراین عدالت در مبانی دینی جای‌گاه ویژه‌ای دارد که می‌باید در برنامه‌های پیشرفت و توسعه‌ی جامعه بدان توجه شود و در صورت عدم توجه به آن در برنامه‌های پیشرفت، سیر حرکت جامعه به سویی خواهد بود که زمینه‌ی تغییر فرهنگ فراهم شده است.

در فرهنگ عدالت‌محور اسلامی ارزش‌هایی متضاد با عدالت شکل می‌گیرد و زمینه‌ی بروز چالش‌هایی را ایجاد خواهد کرد. در این جا و در بحث عدالت لازم است به دو دیدگاه مختلف درباره‌ی عدالت اجتماعی اشاره شود. بسیاری از لیبرال‌ها معتقدند که دولت نسبت به نابسامانی‌های اجتماعی مسئولیتی ندارد و باید ساختار کلان جامعه را برای رقابت آماده نماید؛ اگرچه ممکن است عده‌ای فقیر یا بیکـار یا عده‌ای در زیر چرخ‌های این رقابت خرد شوند. دیدگاه دیگر درباره‌ی عدالت توزیعی است که براساس این دیدگاه باید بین بهترین کمال مطلوب و بهترین افراد جامعه بیش‌ترین افراد جامعه را برگزید. به عبارت دیگر می‌توان بخشی از استفاده‌ی ثروتمندان را کم کرد؛ اگرچه از درآمد سرانه‌ی ملی کم شود و بهره‌مندشدن بیش‌ترین افراد جامعه حائز اهمیت است. بنابراین پیشرفت اقتصادی مقدم است یا عدالت اجتماعی؟

اگر عدالت اجتماعی را ضروری بدانیم استفاده از الگوی عدالت‌محور توسعه در پیشرفت کشور می‌تواند راه‌گشا باشد و در صورت توجه صرف به پیشرفت‌های اقتصادی، استفاده از

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

فرهنگ متناسب با آن نیز اجتناب‌ناپذیر خواهد بود که با فرهنگ جامعه‌ی ایرانی سازگاری چندانی ندارد؛ از این رو اجرای این نوع از الگوهای توسعه‌ی بروز چالش‌های در جامعه‌ی ایران را شدید خواهد نمود. خلاصه آن‌که الگوی پیشرفت باید براساس عدالت و عدالت غایت آن باشد، نه توسعه. حقیقت این است که الگوی پیشرفت باید با اتکا به ارزش‌های خودی و در جهت تحقق کشوری قوی و حفظ حقوق مشروع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شهروندان به‌خصوص فقرا طراحی شود. اولویت چنین الگویی ریشه‌کن نمودن فقر و گسترش عدالت اجتماعی است. با ریشه‌کن‌شدن فقر از یک سو آرام آرام سطح زندگی فقیرترین بخش جمعیت ارتقا می‌یابد و از سوی دیگر میزان مصرف غنی‌ترین بخش جمعیت را کاهش می‌دهد. چنین اقدامی بر ارزش‌هایی نظیر مساوات‌طلبی، عدالت اجتماعی و پرورش آن‌ها تکیه دارد؛ اما نه به صورت نظری بلکه با تشویق و دل‌گرم‌نمودن ابتکارات فردی بدون تهدید منافع جمعی(نظرپور،۱۳۷۸:۹۰). برقرارشدن عدالت به نوبه‌ی خود به پیشرفت کمک خواهد کرد؛ بدین صورت که موجب می‌شود مردم نسبت به مسئولان و سلامت آنان اعتماد نموده و با امیدواری بیش‌تری به جلو حرکت کنند(هراتی ۱۳٥٦: ۲۲۱-۲۱۹).

با بررسی آثار امام خمینی مفهوم پیشرفت از پنج ویژگی برخوردار است: ۱. معنویت ۲. استقلال و آزادی ۳. اتحاد همه‌ی نیروها برای سازندگی(ملت و دولت) ٤. محرومین و مستضعفین(هراتی،۱۳٥٦:۲۰۸-۲۰٤) ٥. عدالت که از نظر امام خمینی یکی از پایه‌های اساسی بنای پیشرفت است و ایشان با توجه به دیدگاه‌های اسلامی بارها بر این نکته تأکید نموده‌اند که عدالت در اسلام آن‌چنان اهمیت دارد که قرآن کریم قسط و عدل را هدف ارسال رسل و کتاب‌های الهی معرفی می‌کند(حدید:۲٥). بنابراین پیشرفتی که عدالت اجتماعی را مختل کند از نظر امام مردود است.

رهبر انقلاب اسلامی در تبیین موضوع عدالت و پیشرفت می‌فرماید: افزایش درآمد ناخالص ملی _یعنی درآمد عمومی یک کشور_ به تنهایی نمی‌تواند نشانه‌ی پیشرفت باشد؛ باید دید این درآمد چگونه تقسیم می‌شود. اگر درآمد ملی بسیار بالاست اما در همین کشور آدم‌هایی شب در خیابان می‌خوابند و با گرمای چهل و دو درجه‌ی هوا عده‌ی زیادی‌شان می‌میرند، این پیشرفت نیست. اگر در جامعه‌ای انسان‌هایی وجود دارند که بی‌سرپناه زندگی می‌کنند یا باید چهارده ساعت در روز کار کنند تا نان بخور و نمیر پیدا کنند، (اگر) درآمد ناخالص ملی ده برابر این که امروز

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

هست هم باشد این پیشرفت نیست. در منطق اسلامی این پیشرفت نیست. بنابراین، پسوند عدالت آنقدر اهمیت دارد(معاونت پژوهشی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها،۱۳۸۸: ۱۹۶)

حقوق موضوعه و جای‌گاه عدالت در توسعه‌ی اجتماعی

نسبت عدالت را با توسعه می‌توان از دو منظر دید: از منظر ارزشی و دینی و از نگاه واقعیت اجتماعی. دین به صراحت، آمدن پیامبران را آموزش فرهنگ دیانت و آشنایی انسان با حقایق عالم غیب و آموزش مردم در حدی که مردم به درجه‌ای برسند تا عدالت را در میان خود ملحوظ کنند. انا ارسلنا رسلنا بالبینات وانزلنا معهم الکتاب والمیزان لیقوم الناس بالقسط(حدید:۲۵). براساس این آیه دو ابزار در اختیار بشر قرار گرفته است: کتاب و میزان؛ یعنی ابزار شناخت و درایت و فهم و علم و دیگری ابزار سنجش فلسفه. چنین ابزاری، قیام به عدالت از سوی مردم است؛ یعنی مردم رفتار عادلانه پیش گیرند. این امری عمومی است و در همه‌ی عرصه‌ها باید لحاظ شود، از جمله در عرصه‌ی توسعه. اما از نگاه واقعیت اجتماعی، با این توضیح که پیشرفت و در اختیارگرفتن ابزار وسیع تولید به تدریج موجب پیدایی جامعه‌ی طبقاتی فقیر و غنی می‌شود و اگر نگاه عادلانه به استفاده از ابزار تولید نباشد به‌وجودآمدن جامعه‌ای آکنده از ستم و تجاوز به حقوق و پیدایش فقیران و بینوایان قطعی است. بر این اساس است که باید در فقه و حقوق به سراغ آموزه‌هایی رفت که عدالت را به مثابه‌ی اصلی حاکم معرفی کند، تا امور، سامانی درست و عادلانه پیدا کنند.

الف) عدالت و تقوی به مثابه‌ی بنیان‌های حقوق موضوعه

از آن‌جا که رشد و توسعه‌ی عدالت بنیان و تقوی‌محور از کلیدی‌ترین اهداف انبیا و اولیای الهی است و صریح بسیار از آیات قرآنی و روایات وارده از معصومین، گواه این مدعی است، فقه اسلامی و به‌ویژه شیعی، اهتمام ویژه‌ای به این مهم(رشد و توسعه‌ی عدالت بنیان و تقوی‌محور) معطوف داشته و راه‌کارهای دقیق و محکمی را در این راستا تنظیم و در قالب فتاوا و بحث‌های فنی و علمی ارائه نموده است. ابواب معاملات(بیع و تجارت، مزارعه، مساقات، مضاربه، احیاء، موات و...) که از اسباب و شیوه‌های درست و نادرست تملک و احترام به مالکیت و حقوق مالک و رعایت حقوق دیگران در حوزه‌ی مسایل معیشتی و تشویق و ترغیب به تولید ثروت و سرمایه و نحوه‌ی توزیع و مصرف و تأکید و اصرار بر تحریم وضع از اتلاف و اسراف و احتکار و رباخواری و دزدی و سرقت و زر اندوزی و رعایت حقوق مستمندان و اعطای حقوق آنان جلوه‌های مهمی است که در میان فقهاء بزرگوار آمده است که به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

قرین‌بودن عدالت با هر الگوی مطلوبی از پیشرفت در قرآن کریم به خوبی انعکاس یافته است و برای نشان‌دادن این ادعا به آیات بسیاری می‌توان استدلال کرد؛ زیرا حدود سی مرتبه در قرآن از واژه‌ی عدل و مشتقات آن استفاده شده است که این خود دلیلی بر اهمیت آن به شمار می‌رود؛ زیرا برنامه‌ی قرآن بر اساس عدل و عدالت پایه‌ریزی شده است؛ از جمله آیه‌ی: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط و لا یجرمنکم شنأن قوم علی ان لا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی و اتقوا الله ان الله خیر بما تعملون»(مائده :۸) ای کسانی که ایمان آوردید از قیام‌کنندگان به حقوق الهی بر اساس قسط و عدل باشید و دشمنی هیچ قومی هرچند کافر، شما را وادار نکند که درباره‌ی آن‌ها به عدالت عمل نکنید؛ بنابراین به عدالت رفتار کنید که عدالت به تقوای الهی از هر چیزی نزدیک‌تر است. از خدا بترسید؛ زیرا خداوند متعال به آن چیزی که عمل می‌کنید آگاه است. بنابراین، مستفاد از آیه، وجوب رعایت عدالت حتی درباره‌ی دشمنان دین، کافرانی هستند که اسلام را قبول ندارند؛ زیرا در این آیه دو بار به عدالت امر شده است؛ اول «کونوا قوامین بالقسط» با صیغه‌ی مبالغه‌ی دوم «اعدلوا هو اقرب للتقوی» و شکی نیست که معنای آیه مطلق است که شامل عدالت فردی و اجتماعی می‌شود و مقابل آن ظلم و جور به شمار می‌رود که حرام است و باید ترک شود.

هدف از بعثت پیامبران برقراری عدل در بین مردم بوده است و در قرآن در بحث داستان‌های پیامبران به این امر مهم اشاره شده است که توجه به آن‌ها قطعاً در برقراری عدالت در جامعه و در پی آن رسیدن به توسعه و پیشرفت مثمر ثمر خواهد بود. در بیان داستان حضرت شعیب که در سوره‌ی هود آیه‌ی ۸٦-۸٤ آمده به خوبی نشان می‌دهد که انبیا در دعوت خود مردم را به رعایت عدالت در اعمال خود سفارش می‌کرده‌اند تا در پرتو آن امنیت بر جامعه حاکم شود. حضرت شعیب به قوم خود گفت: کم‌فروشی را ترک کنید. این کنایه از مطلق تصرفات و تعهدات اساسی هر کاری که به عهده‌ی شماست از آن ندزدید و مسئولیت خود را به خوبی انجام دهید و این راه‌کار قرآنی و توجه مسئولیت‌ها و تعهدها زمینه‌ساز روابطی درست بین افراد اجتماع است؛ چراکه انسان در جامعه علاوه بر تعهد شخصی خود تعهد اجتماعی نیز دارد و اگر کاسب و کارگر و دیگر اهل پیمان باشند و به تعهدات خود عمل کنند، به پیشرفت و توسعه‌ی جامعه کمک خواهند کرد. این است که حضرت شعیب این پیام را بلند به گوش جهانیان می‌رساند. (و لا تبخسوا الناس اشیائهم...)، هیچ چیزی را کم ندهید. با دقت در این آیه در می‌یابیم که اشیا جمع است و بنابراین شامل هر حقی می‌شود. این سفارشات حضرت شعیب در راستای برقراری امنیت در جامعه بود و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

محور بعدی صحبت او دعوت شعیب به قسط و عدل است. بنابراین برقراری عدل الهی مهم‌ترین مؤلفه برای پیشرفت و توسعه‌ی یک جامعه خواهد شد؛ زیرا در پرتو آن هر چیزی در جای خود قرار می‌گیرد و آرامش بر جامعه حاکم خواهد شد(جوادی آملی،۱۳۹۵:۲۰۸-۱۸٤). در ضمن آیات سوره‌ی اعراف: ۹٦ و مائده: ٦٦ و انفال: ۲٤ و ۵۳ بر پیشرفت و تعالی مادی و معنوی کشور دلالت می‌کنند.

در متون مذهبی نیز روایات و شواهد فراوانی را می‌توان در مورد تأثیر عدالت که باعث و موجب برقراری دولت رفاه و عامل عمران و آبادانی و توسعه و پیشرفت می‌شود مورد استناد قرار داد. از باب نمونه: از حضرت علی(ع) مروی است که «العدل حیاه الاحکام» زنده‌شدن دین و احکام دین به اجرای عدالت است(آمدی ۱۳٦٦ :۹۹).

و هم‌چنین «ما عمرت البلدان بمثل العدل»، هیچ چیز مانند عدالت برای جامعه‌ی انسانی، آبادنی به ارمغان نمی‌آورد(آمدی،۱۳٦٦:۵۵۹۲). امام باقر(ع) نیز در جای‌گاه عدالت در نظام امت و امامت فرمود «حقُّه عَلَیهِم أن یَسمَعُوا له و یُطِیعُوا، قُلتُ فما حقُّهم علیهم؟ قال یُقسِمُ بالسویه و یَعدِلُ فی الرعیه فاذا کان ذالک فی الناس فلا یبالی مِن أخذِها هنا و هاهنا»، حق او بر آن‌ها این است که سخنش را بشنوند و فرمانش برند. عرض کردم حق مردم بر امام چیست؟ فرمود: این‌که بیت‌المال را میان آن‌ها برابر تقسیم و با مردم به عدالت رفتار کند و چون این دو اصل میان مردم عمل گشت امام باک ندارد از آن‌که کسی این سو و آن سو زند. در روایتی صحیح در کتاب‌های کافی و تهذیب از امام صادق(ع) و در کتاب من لا یحضره الفقیه از امام باقر (ع) نقل شده است که «ما اوسع العدلَ، إنّ الناسَ یستغنون اذا عُدل فیهم و تنزل السماء رزقَها و تُخرج الارضَ برکاتِها بِإذن اللهِ تعالی(منتظری،۱۳۸۵:٦٦۲)، چقدر گسترده است عدالت، همانا اگر در میان مردم به عدالت رفتار شود مردم بی‌نیاز می‌شوند و آسمان روزی را نازل می‌کند و زمین برکاتش را با اذن خدا خارج می‌گرداند. از امام موسی کاظم(ع) نیز چنین نقل شده است: «لو عُدِلَ فی الناس لَإستَغنُوا»، اگر در میان مردم به عدالت رفتار شود بی‌نیاز می‌شوند(کلینی۱٤۰۷:٤۰۵ و ۵٤۲).

در قسمتی از نامه‌ای که امام علی به مالک اشتر می‌نویسد آمده است: «پس اگر مردم شکایت کردند از سنگینی مالیات، یا آفت‌زدگی، یا خشک‌شدن آب چشمه‌ها یا کمی باران یا خراب‌شدن زمین، درد سیلاب‌ها یا خشک‌سالی، در گرفتن مالیات به میزانی تخفیف ده تا امورشان سامان گیرد و هرگز تخفیف‌دادن در خراج تو را نگران نسازد؛ زیرا آن اندوخته‌ای است که در آبادانی شهرهای تو و آراستن ولایت‌های او نقش دارد و رعیت تو را می‌ستاید و تو از گسترش عدالت میان مردم

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

خشنود خواهی شد و به افزایش قوت آنان تکیه خواهی کرد. بدان‌چه در نزدشان اندوختی و به آنان بخشیدی و با گسترش عدالت میان مردم و مهربانی با رعیّت به آنان اطمینان خواهی داشت. آن گاه اگر در آینده کاری پیش آید و به عهده‌شان بگذاری با شادمانی خواهند پذیرفت؛ زیرا عمران و آبادانی قدرت تحمل مردم را زیاد می‌کند(نهج‌البلاغه، نامه‌ی۵۸:۵۷۹)

نکته‌ای که در این نامه مورد تأکید امام علی(ع) قرار گرفته، گسترش عدالت در بین مردم است که موجبات استفاده‌ی بهینه از رفاه و توسعه‌ی حاصله را از عمران و آبادانی فراهم می‌سازد. این مطالب نشان‌دهنده‌ی اهمیتی است که امام علی(ع) به عمران و آبادانی و توسعه‌ی کشور می‌دهد. به این ترتیب هدف آن است که مردم به عمران و آبادانی تشویق شوند و در واقع این نمونه‌ای از سیاست‌هایی است که به رونق و آبادانی انجامد. با این حال اگر در این رابطه دیدگاه امام درباره‌ی دنیا به طور کلی و عدالت به طور خاص مورد توجه قرار گیرد، ملاحظه می‌شود که مؤلفه‌های توسعه در یک ترکیب مناسب و اسلامی مورد نظر است.

ب) عدالت به مثابه‌ی الگوی توسعه‌ی حکومت‌محور

از فقیهان بزرگی که از عدالت در مقام تحقق اسلام در عینیت و عرضه‌ی مدیریت اجتماعی سخت دفاع می‌کنند، می‌توان به امام خمینی و آیت‌الله شهید صدر و آیت‌الله سیستانی اشاره کرد.

امام خمینی(ره) اساس حکومت را بسط و توسعه‌ی عدالت در جامعه می‌داند و به بیان دیگر عدالت را باید معیاری برای تحقق احکام دید(خمینی،۱۳۷٦:٦٦۳) و نیز امام در بخشی دیگر به هدف برپایی حکومت توسط اسلام پرداخته و غایت چنین حکومتی را اقامهٔ عدالت دانسته است و می‌فرماید: اسلامی برای برپایی حکومت عادلانه به پا خاست که در آن قوانین مالیات و بیت‌المال عادلانه است. قوانین جدایی در حیطه‌ی قصاص – حدود و دیه که برای ریشه‌کن‌کردن مفاسد و اعمال زشت و نیز قوانین مربوط به حقوق و دارایی به روش‌های عادلانه و آسان تشریع شده است(خمینی،۱۳۷٦:٦۱۸). شهید صدر پی‌ریزی مکتب اقتصاد اسلامی و عدالت اجتماعی را سومین اصل اساسی در اقتصاد اسلامی می‌داند و عدالت اجتماعی را ضامن سعادت جامعه معرفی کرد.

شکل اسلامی عدالت اجتماعی دارای دو اصل عمومی است که برای هر یک از این دو اصل راه‌ها و تفصیلاتی وجود دارد: ۱- اصل همکاری عمومی(تکافل عام) ۲- اصل توازن اجتماعی. مفهوم اسلامیِ همکاری و توازن به ارزش‌های عدالت اجتماعی تحقق می‌بخشد و بدین گونه الگوی اسلامی ایجاد می‌شود. برنامه‌های اسلام در طول تجربه‌ی تاریخی روشنِ آن، بطور صریح، بیان‌گر اهتمام به این رکن اساسی(عدالت اجتماعی) است. پیامبر بزرگ اسلام از آن رو که خواستار

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

تحقـق‌بخشیـدن عدالـت اجتماعی اسلامی بود، فعـالیت سیـاسی خود را با برقـراری بـرادری و پیاده‌کردن اصل همکاری میان مهاجران و انصار آغاز نمود و چنان جذابیتی داشت که بسیاری از مردم نواحی مختلف نه‌تنها جذب اسلام شده، بلکه در گسترش فرهنگی و پیشرفت و توسعه اثر به‌سزایی داشت(صدر،۱٤۱۷:۲۸۸). در اندیشه‌ی شهید صدر عدالت، معیاری برای تحقق اهداف اسلام و رکنی مهم و کلیدی در مدیریت اجتماعی است که بر عهده‌ی ولی امر می‌باشد.

آیت‌الله سیسـتانی نیز از جمله فقیهانی است که اصل عدالت اجتمـاعی را در مقام تحقق و اداره‌ی نظام اسلامی تصویر می‌کند و تصریح دارد که اجرای عدالت در جامعه در زمان غیبت امام معصوم از شئون ولی فقیه است. ایشان در تحلیل مفاد قاعده‌ی لاضرر چنین فرموده است: وقتی در حدیث لاضرر، ضرررساندن به دیگری نفی می‌شود و در واقع بر ایجاد سببی برای تحقق‌نیافتن این عمل(لاضرر) در خارج دلالت می‌کند، این مطلب خود از سه پایه‌ی کلی برداشت می‌شود: ۱- جعل حکم تکلیفی بازدارنده از عمل یعنی حرمت ۲- جعل قوانین برای به‌کارگیری راه‌هایی از سوی حاکم شرعی که از تحقق خارجی اضرار جلوگیری کند و این تشریع، خود بر سه قانون استوا است؛ یکی از آن‌ها قانون برپایی عدالت اجتماعی میان مردم، این قانون از شئون ولایت در امور عامه‌ای است که برای پیامبر و امامان و در عصر غیبت نیز برای فقیهان ثابت می‌ماند؛ زیرا جهت حفظ نظام، راهی جز اجرای عدالت نیست(سیستانی،۱٤۱٤:۱۵۲-۱٤۹)

ج) صیانت از توسعه‌ی اجتماعی عدالت‌محور در نظام حقوقی ایران پس از انقلاب

تصـور عدالت و تحقق آن در کلـیه‌ی قوانین حقوقی در فردای پس از انقلاب اسلامی ایران آن‌چنان برجسته است که می‌توان اجرای عدالت را غایت نظام حقوقی مدوّن در این برهه از تاریخ ایران معاصر تلقی کرد. اگرچه از دیرباز عدالت مورد توجه کامل دانش حقوق و حقوق‌دانان بوده است. امروزه عدالت برای حقوق‌دانان آرمانی است که قوانین باید از آن الهام بگیرند؛ یعنی دو مفهوم حق و عدالت در عین حال که با هم پیوند نزدیک دارند، از هم جدا شده‌اند. به بیان دیگر نظمی را که به وسیله‌ی حقـوق برقرار می‌شود، پیـوسته در حال حرکـت است و به سوی کمال می‌رود؛ کمالی که غایت آن عدالت و نیکی است. قاعده‌ای را که مردم با عدالت و انصاف منطبق بدانند بر میل و رغبت اجرا نمی‌کنند؛ پس دولت برای حفظ نظم عمومی و ایجاد تلاش اجتماعی ناگزیر است که تا حد امکان قواعد حقوقی را با عدالتی که نزد مردم محترم است، سازگار کند.

پیوند حقوق و عدالت را در بسیاری از قواعد می‌توان دید. برای مثال نظم در معاهدات ایجاب می‌کند که اشخاص در اعتبار و نفوذ قراردادها تردید نکنند و مطمئن باشند که دولت مفاد

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

پیمانشان را محترم می‌دارد و در صورت لزوم مدیون را به اجرای آن ملزم می‌کنند. با این وصف قانون‌گذار لزوم اجرای عدالت را نیز از یاد نبرده است و به حاکم اجازه می‌دهد تا به مدیون "مهلت عادله" یا قرار اقساط بدهد(ماده‌ی ۲۷۷ قانون مدنی) و (ماده‌ی ۱۰۳ ق .م و ۲۷۷ و۸۷ ق .م و ماده‌ی ۳ ق .م.م و ماده‌ی ۳۱۲ ماده‌ی ٤ قانون روابط مؤجر و مستأجر و ماده‌ی ۳۰۳ ق .م) و در قانون تجارت ماده‌ی ۱۰۷ و۱۰۸و ۱۲٤ و٤۲۱ و۵۳۳ ق .ت اشاره به عدالت و انصاف نموده‌اند. در حقوق کیفری نیز معاف‌شدن از مجازات در مورد شخصی که در مقام دفاع مشروع به دیگری صدمه زده از مفهوم عدالت سرچشمه گرفته است. درون هر قاعده‌ی حقوقی، جوهر عدالت یعنی برابری به چشم می‌خورد و مانع تبعیض‌های ناروا و خودسرانه می‌شود. بی‌گمان چنین عدالتی صوری است و احتمال دارد ماهیت قاعده‌ی حقوقی، ظلم محض باشد. ولی دست‌کم صورت عدالت در هر قاعده‌ای دیده می‌شود و از همین جاست که می‌گویند ظلم بالسویّه نیز عدل است(کاتوزیان،۱۳۸۰ :۲٤۵)

یکی از مراحل عدالت اجتماعی که باعث توسعه در جامعه می‌شود، این است که قوانین و مقررات اجتماعی عادلانه باشد؛ یعنی همان عناصر توازن و نفی افراط و تفریط یا رجحان یکی از طرفین باید رعایت شود و برای رعایت عدالت چند جهت را می‌توان از نظر گرفت. یکی آن است که در اجتماع مقررات در نهایت به حق و تکلیف برگردد؛ یعنی در ظرف اجتماع اگر برای کسی حقی قرار داده می‌شود، در مقابل آن تکلیفی است و یا هر تکلیفی برای کسی در نظر گرفته می‌شود در مقابل آن حقی باید لحاظ شود. اگر تعادل و توازن بین حق و تکلیف رعایت گردد، عدالت در تشریع و قانون‌گذاری محقق می‌گردد و در نتیجه جامعه توسعه می‌یابد و همه‌ی انسان‌ها به رشد و کمال خود می‌رسند. در مرحله‌ی دیگر مفهوم عدالت که باعث توسعه در جامعه می‌شود در مقام قضاوت قرار می‌گیرد؛ به این معنی اگر اختلافی میان دو نفر به وجود آمد، قاضی باید حکم به عدل نماید و مقرراتی را که براساس آن قضاوت می‌کند، مقررات ثابتی باشد که باعث توسعه‌ی جامعه می‌شود نه این‌که به‌طور عمد، حقوق افراد لگدمال و زیرپا گذاشته شود؛ اگر این‌طور شد، جامعه به عقب بر می‌گردد و ظلم محقق می‌شود و از طرفی عدالت و قضاوت در مرحله‌ی اجرای قانون نیز که شأن قوه‌ی مجریه است، باید دقیقاً اجرا شود. اگر مقررات و حقوق اجتماعی موزون و متعادل نباشد، اثر عدم تعادل اجتماعی فقط در طبقه‌ی عامه‌ی مردم نیست که محرومیت دارند؛ بلکه طبقه‌ی خاص و ممتاز که مواهب بیش‌تری به خود اختصاص داده‌اند هم

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

زیان می‌بینند. طبقه‌ی عام در رنج می‌افتند و طبقه‌ی خاص ناسپاس و کم‌استقامت و پرخرج می‌گردند. حضرت علی(ع) درباره‌ی طبقه‌ی خاص و ممتاز در فرمان خود به مالک اشتر می‌نویسد:

و لیس أحدٌ من الرعیه اثقل علی الوالی معونه فی الرخاء و اقل معونه فی البلاء و اکره للانصاف و اسال بالالحاف وأقل شکر عنه الاعطاء و ابطا غدراً عند المنع و اصنف صبرا عند ملمّات الدهر من اهل الخاصه؛ یعنی برای والی هیچ کس پرخرج‌تر در مقام نقشی، کم کمک‌تر در هنگام سستی، متنفرتر از عدالت و انصاف، پرتوقع‌تر، ناسپاس‌تر یا عذرناپذیرتر، کم‌طاقت‌تر در شداید از طبقه‌ی خاص نیست(نهج‌البلاغه، نامه‌ی۵۳) آن‌گاه حضرت علی(ع) به نکته‌ی عجیب و ظریفی اشاره می‌کند و می‌فرماید: «انّ فی العدل سعه»، برای عدالت ظرفیت و گنجایشی است که در خیّز دیگری نیست. مقصود این است که اگر ظرفی باشد که همه‌ی گروه‌ها و افراد را در خود بگنجاند و رضایت همه را به دست آورد آن ظرف عدالت است. اگر کسی با عدالت راضی نشد ظلم او را راضی نمی‌کند؛ یعنی تصور نکند که آن کسانی که در اجتماع از عدالت ناراضی می‌شوند، اگر من عدالت را کنار بگذارم و به جای آن ظلم را انتخاب کنم آن‌ها راضی خواهند شد(مطهری،۱۳۸٤: ۱٤۹-۱۵۰).

در حقوق بین‌المللی عمومی، از جمله ماده‌ی ۱۲ عهدنامه‌ی ۱۹۷۱، در زمینه‌ی مسئولیت بین‌المللی، برای خسارت ناشی از اجرام سماوی که به موجب آن تعیین خسارت بر اساس حقوق بین‌الملل و اصول عدالت و انصاف صورت می‌گیرد و هم‌چنین طبق ماده‌ی ۵۹ عهدنامه‌ی حقوق دریاهای سال ۱۹۸۲ و ماده‌ی ۳۸ اساس‌نامه‌ی دیوان دائمی دادگستری، بین‌المللی استناد به این اصل را چنین پیش‌بینی نموده است که دیوان می‌تواند با درنظرگرفتن دو شرط به اصل عدالت و انصاف توسل جسته و حکم لازم را صادر نماید. این دو شرط عبارتند از: موافقت طرفین اختلاف و اختیار دیوان در این اصل. امروزه بیش‌تر در قراردادهای حکمیت، این حق را به داوران می‌دهند که براساس عدالت و انصاف نظر دهند. خلاصه آن‌که اصل عدالت و انصاف در حقوق بین‌الملل سه نقش اساسی دارد.

الف) اصل عدالت و انصاف عامل تعدیل‌کننده‌ی قواعد حقوقی است و به آن‌ها حالت انعطافی می‌بخشد؛

ب) اصل عدالت و انصاف عامل تعیین‌کننده‌ی قواعد حقوقی است؛

ج) اصل عدالت و انصاف عامل ابطال‌کننده‌ی قاعده‌ی حقوقی است. البته در صورتی که اصحاب دعوا از قضات بخواهند که برای حل اختلاف به قواعد حقوقی لازم‌الاجرا وقعی نگذاشته

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

و اصل عدالت و انصاف را مستند قرار دهند؛ در این صورت این اصل، قواعد حقوقی موجود را در این مورد خاص از اعتبار ساقط می‌کند(ضیایی بیگدلی،۱۳٦۷:۱۱۵-۱۱٤)

نتیجه‌گیری

با توجه به منابع اسلامی(قرآن، سنت، عقل و دیدگاه فقیهان) راه توسعه‌ی فراگیر همه‌جانبه از مسیر عدالت می‌گذرد. در پرتو عدالت است که جامعه‌ی انسانی به تمام حقوق فردی، اجتماعی خود نایل می‌شوند. شاخصه‌های رشد مادی و معنوی نمودار می‌گردد و با محو ظلم است که انسان‌ها طعم شیرینی حیات مادی و معنوی را با تمام وجود درک می‌کنند و زمینه‌های آسیب‌های چالش‌برانگیز اجتماعی، فرهنگی سوزانده می‌شود. باید برای رشد و توسعه در ادارات، بانک‌ها، اصناف و مراکز آموزشی، مبنای کار را عدالت و انصاف قرار داد تا جامعه در مسیر رشد و توسعه قرار گیرد. در صدر اسلام با چنین وضعی مواجه بودیم که اسلام توانست با اجرای عدالت و انصاف در تمامی زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی در مسیر رشد و توسعه قرار گرفت و پیش رفت. اکنون نیز، تنها راه پیشرفت یا توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی تکیه بر عدالتی است که از فقه و حقوق موضوعه مایه می‌گیرد. فقه و حقوق موضـوعه‌ایی که ریشه در فرهنگ جامعه دارد و از این رو می‌تواند راه سعادت را بگشاید.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

منابع

۱. قرآن کریم

۲. ازکیا ، مصطفی (۱۳۸۱) **جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران**، تهران: اطلاعات.

۳. الشرتونی، لبنانی (بی‌تا) **اقرب الموارد**، چاپ بیروت، بی نا

٤. باتومور، تی پی (۱۳۷۰) **جامعه‌شناسی**، ترجمه‌ی حسن منصور و سید حسن حسینی گلجانی، تهران: اثرگیر.

۵. پیترز، جان ندروین (۱۳۹٤) **نظریه‌ی توسعه**، ترجمه‌ی انور محمدی، تهران: نشر گل آذین.

٦. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳٦٦) **غررالحکم و دررالحکم**، دفتر تبلیغات اسلامی.

۷. تودارو، مایکل (۱۳۷۷) **توسعه‌ی اقتصادی در جهان سوم**، ترجمه‌ی غلامعلی فرجادی، تهران: مؤسسه‌ی عالی پژوهش و برنامه‌ریزی.

۸. جان راولز (۱۳۷٦) «عدالت و انصاف و تصمیم‌گیری عقلانی»، ترجمه‌ی مصطفی مکیان، **نقد و نظر**، شماره ۲ و ۳.

۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵) **مفاتیح الحیات**، قم: مرکز نشر اسراء.

۱۰. حسینی سیستانی، سیدعلی (۱٤۱٤) **قاعده لاضرر و لاضرار**، قم: نشر مکتبه آیت‌الله العظمی سیستانی.

۱۱. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷٦) **صحیفه‌ی نور**، تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۱۲. دهخدا علی‌اکبر (۱۳۳۷) **لغت‌نامه**، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱٤۱۹) **مفردات الفاظ قرآن**، لبنان: دارالمعرفه بیروت.

۱٤. صدر، سید محمد باقر (۱٤۱۷) **اقتصادنا**، قم: بوستان کتاب (دفتر تبلیغات اسلامی).

ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳٦۷) **حقوق بین‌الملل عمومی**، بی جا.

۱۵. عظیمی، حسین (۱۳۷۱) **مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران**، تهران: نشر نی.

۱٦. علیخانی و همکاران، (۱۳۸۸) **در آمدی بر نظام سیاسی عدالت در اسلام**، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی: دانشگاه امام صادق (ع).

۱۷. عمید (۱۳۳۷) **فرهنگ عمید**، تهران: کتابخانه‌ی ابن سینا.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۱۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰) فلسفه‌ی حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱٤۰۷) **کافی**، قم: دارالکتب الاسلامیه.

۲۰. معاونت پژوهشی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها (۱۳۸۸) **سایه‌سار ولایت منشور**، ترجمه‌ی سید هادی خسروشاهی و محمدعلی گرامی، قم: یس نا.

۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸٤) **بیست گفتار**، انتشارات صدرا.

۲۲. مطهری،مرتضی (۱۳۸۷) **آینده‌ی انقلاب اسلامی**، انتشارات صدرا.

۲۳. مومنی، فرشاد (۱۳۷٤) **کالبدشکافی یک برنامه‌ی توسعه‌ی تهران**، مؤسسه‌ی تحقیقات دانشگاه تربیت مدرس.

۲٤. منتظری، حسینعلی (۱۳۸۵) **اسلام دین فطرت**، نشر سایه.

۲۵. منصورنژآد، محمد (۱۳۷۹) دین و توسعه، ج۲، تهران: جوان پویا.

۲٦. میرموسوی، سیدعلی (۱۳۸۵) **مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب**، سازمان انتشارات پژوهش‌گاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی.

۲۷. نظرپور، محمدنقی (۱۳۷۸). **ارزش‌ها و توسعه؛ بررسی موردی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، قم: پژوهش‌کده‌ی فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی.

۲۸. **نهج البلاغه** (۱۳۷۹) ترجمه‌ی محمد دشتی، قم: مؤسسه‌ی تحقیقاتی امیرالمومنین.

۲۹. هراتی، محمدجواد (۱۳۹۲) **توسعه‌گرایی و هویت فرهنگی در ایران معاصر**، تدوین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]